

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

# **The Role of Supervision in the Performance of Law Enforcement for the Protection of Citizen Rights**

1. Changiz Nejati: PhD Student, Department of Public Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran
2. Seyed Mohsen Sheikholeslami\*: Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: dr.sheikholeslami2013@gmail.com (Corresponding Author)

## **ABSTRACT**

This article aims to analyze the role of supervision over the performance of law enforcement in protecting citizen rights. Citizen rights, as a fundamental concept in modern societies, hold special importance as they enable individuals to enjoy their rights and freedoms within the framework of the law. Law enforcement, as an institution responsible for ensuring security and enforcing the law, faces numerous duties and challenges regarding the protection of citizen rights. In this context, this study seeks to explore the structural and normative issues within law enforcement and evaluate the impact of supervision on improving its performance. A descriptive-analytical research method is employed in this study to analyze documented data and examine laws in order to assess the performance of law enforcement from the perspective of citizen rights. The informational sources include books, articles, and laws related to citizen rights and supervision over law enforcement. The main objective of this section is to systematically examine the existing problems and limitations in protecting citizens' rights in their interaction with law enforcement. The research findings indicate that one of the most important factors influencing the reduction of violations and improvement of law enforcement performance is the establishment of precise and effective supervision systems. These supervisory mechanisms may include internal supervision, external supervision by judicial bodies, and even informal supervision by civil society and citizens. Ultimately, this study concludes that attention to citizen rights and transparency in the performance of law enforcement will effectively contribute to public trust and reduce violations. Through structural and normative reforms within law enforcement and continuous oversight of this institution, a safer and more just environment for citizens can be achieved. These actions will not only improve law enforcement performance but also enhance citizen satisfaction and strengthen social order and security.

**Keywords:** *Law Enforcement, Role of Supervision, Protection of Citizen Rights.*

How to cite: Nejati, C., & Sheikholeslami, S. M. (2023). The Role of Supervision in the Performance of Law Enforcement for the Protection of Citizen Rights. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 5(4), 216-226.

© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 18 January 2024  
Revise Date: 05 February 2024  
Accept Date: 16 February 2024  
Publish Date: 29 February 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

## نقش نظارت در عملکرد نیروی انتظامی برای صیانت از حقوق شهروندی

۱. چنگیز نجاتی: دانشجوی دکترا، گروه حقوق عمومی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

۲. سید محسن شیخ الاسلامی\*: گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. پست الکترونیک:

dr.sheikhholeslami2013@gmail.com (نویسنده مسئول)

### چکیده

این مقاله با هدف تحلیل نقش نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی در راستای صیانت از حقوق شهروندی تدوین شده است. حقوق شهروندی به عنوان یک مفهوم بنیادی در جوامع مدرن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به شهروندان این امکان را می‌دهد که در چارچوب قانون از حقوق و آزادی‌های خود بهره‌مند شوند. نیروی انتظامی، به عنوان نهادی که نقش اساسی در تأمین امنیت و اجرای قانون دارد، با وظایف و چالش‌های بسیاری در زمینه رعایت حقوق شهروندی مواجه است. در همین راستا، این پژوهش تلاش دارد تا به بررسی مشکلات ساختاری و هنجاری در عملکرد نیروی انتظامی بپردازد و تأثیر نظارت بر بهبود این عملکرد را ارزیابی کند. در این پژوهش، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به کار گرفته شده است تا با تحلیل داده‌های مستند و بررسی قوانین، عملکرد نیروی انتظامی از دیدگاه حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گیرد. منابع اطلاعاتی شامل کتب، مقالات و قوانین مرتبط با حقوق شهروندی و نظارت بر نیروهای انتظامی بوده و هدف اصلی این بخش، بررسی سیستماتیک مشکلات و محدودیت‌های موجود در حفظ حقوق شهروندان در تعامل با نیروی انتظامی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش تخلفات و بهبود عملکرد نیروی انتظامی، ایجاد سیستم‌های نظارتی دقیق و مؤثر است. این نظارت‌ها می‌توانند شامل نظارت‌های درون‌سازمانی، نظارت‌های برون‌سازمانی توسط نهادهای قضایی و حتی نظارت‌های غیررسمی از سوی جامعه مدنی و شهروندان باشند. در نهایت، این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که توجه به حقوق شهروندی و ایجاد شفافیت در عملکرد نیروی انتظامی، به‌طور مؤثری به اعتماد عمومی و کاهش تخلفات کمک خواهد کرد. با اصلاحات ساختاری و هنجاری در نیروی انتظامی و با نظارت مستمر بر عملکرد این نهاد، می‌توان به ایجاد محیطی امن‌تر و عادلانه‌تر برای شهروندان دست یافت. این اقدامات نه تنها منجر به بهبود عملکرد نیروی انتظامی می‌شود، بلکه باعث ارتقای سطح رضایت شهروندان و تقویت نظم و امنیت اجتماعی نیز خواهد شد.

واژگان کلیدی: نیروی انتظامی، نقش نظارت، صیانت از حقوق شهروندی

نحوه استناددهی: نجاتی، چنگیز. و شیخ الاسلامی، سید محسن. (۱۴۰۲). نقش نظارت در عملکرد نیروی انتظامی برای صیانت از حقوق شهروندی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۲۲۶-۲۱۶، (۴)، ۲۱۶-۲۲۶.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۸ دی ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۷ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲



حفظ و رعایت حقوق شهروندی از مهم‌ترین اصولی است که هر جامعه‌ای باید به آن پایبند باشد. این حقوق، شامل آزادی‌ها و حق‌های قانونی و اجتماعی هر شهروند است که در چارچوب قانون باید محترم شمرده شوند. حقوق شهروندی به‌طور مستقیم با عدالت، امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی افراد در جامعه ارتباط دارد و نقش مهمی در ایجاد اعتماد بین مردم و نهادهای دولتی ایفا می‌کند (Arjmand, 2020). در این میان، نیروی انتظامی به‌عنوان نهادی که مستقیماً با شهروندان در تعامل است و وظیفه تأمین امنیت اجتماعی را بر عهده دارد، از اهمیت ویژه‌ای در این زمینه برخوردار است.

نیروی انتظامی نقش پیچیده‌ای در جامعه دارد، زیرا باید در راستای تأمین نظم و امنیت فعالیت کند و هم‌زمان به رعایت حقوق شهروندی پایبند باشد. این نهاد در سه سطح با شهروندان ارتباط دارد: افراد عادی، افراد متخلف و بزه‌دیدگان. هر یک از این سطوح نیازمند رویکردها و تدابیر متفاوتی است که نشان‌دهنده پیچیدگی وظایف نیروی انتظامی است. همچنین، اعمال وظایف بدون ایجاد نقض در حقوق شهروندی، چالشی بزرگ برای این نهاد محسوب می‌شود (Ehsani & Mahmoudi, 2021).

تجربه نشان داده است که نبود نظارت مؤثر و دقیق بر نیروی انتظامی می‌تواند منجر به نقض حقوق شهروندان شود. این نقض ممکن است به دلیل نبود دستورالعمل‌های مناسب، ضعف مدیریتی، یا حتی برخوردهای سلیقه‌ای از سوی برخی از پرسنل رخ دهد. از این رو، ایجاد و تقویت سیستم‌های نظارتی برای اطمینان از رعایت حقوق شهروندی و کاهش تخلفات احتمالی ضروری است (Ardakani, 2019). نظارت بر نیروی انتظامی را می‌توان به دو دسته نظارت درون‌سازمانی و نظارت برون‌سازمانی تقسیم کرد. نظارت درون‌سازمانی شامل سازوکارهایی است که توسط خود نیروی انتظامی برای ارزیابی عملکرد و جلوگیری از تخلفات اعمال می‌شود، در حالی که نظارت برون‌سازمانی توسط نهادهای قضایی و قانونی و حتی جامعه مدنی انجام می‌گیرد.

ضعف‌های ساختاری و هنجاری نیروی انتظامی در صیانت از حقوق شهروندی از دیگر مشکلاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله این مشکلات می‌توان به عدم وجود آموزش‌های کافی برای نیروها در زمینه حقوق شهروندی و ضعف در مدیریت نظارتی اشاره کرد. این عوامل باعث می‌شوند که در بسیاری از موارد برخوردهای نامناسب با شهروندان رخ دهد و اعتماد عمومی نسبت به نیروی انتظامی کاهش یابد (Karimi, 2018). بنابراین، این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی و تحلیل مشکلات ساختاری و هنجاری نیروی انتظامی، راهکارهایی برای بهبود نظارت بر این نهاد ارائه دهد.

تحقیقات پیشین نیز نشان داده‌اند که سیستم‌های نظارتی کارآمد نقش مهمی در بهبود عملکرد نهادهای دولتی و افزایش رضایت عمومی دارند. به‌عنوان مثال، تحقیقاتی در دانمارک نشان داده که نظارت‌های درون‌سازمانی قوی بر نیروهای امنیتی باعث بهبود حقوق شهروندی و کاهش تخلفات می‌شود (Elarden, 2018). این یافته‌ها نشان می‌دهند که نظارت مناسب می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای پیشگیری از نقض حقوق شهروندی عمل کند.

یکی از راهکارهای عملی در این زمینه، فراهم آوردن آموزش‌های مستمر و تخصصی برای نیروهای انتظامی در حوزه حقوق شهروندی است. این آموزش‌ها می‌توانند شامل مواردی مانند نحوه برخورد با افراد آسیب‌پذیر، کودکان و زنان، و اصول اخلاقی در انجام وظایف باشند. چنین آموزشی می‌تواند درک عمیق‌تری از حقوق شهروندی و نحوه صیانت از آن در نیروهای انتظامی ایجاد کند و به کاهش تخلفات منجر شود (Majidi, 2020).

این مقاله به بررسی نقش نظارت در عملکرد نیروی انتظامی و تحلیل مشکلات ساختاری و هنجاری این نهاد در زمینه رعایت حقوق شهروندی می‌پردازد. با ارائه راهکارهایی برای بهبود نظارت بر نیروی انتظامی، تلاش می‌شود تا از نقض احتمالی حقوق شهروندان جلوگیری شده و اعتماد عمومی نسبت به این نهاد افزایش یابد. اهمیت این پژوهش در آن است که به‌عنوان یک مرجع علمی می‌تواند نقش بسزایی در تدوین سیاست‌های نظارتی و بهبود عملکرد نیروی انتظامی در راستای صیانت از حقوق شهروندی داشته باشد.

### مبانی نظری

حقوق شهروندی، مفهومی کلیدی در جوامع مدرن است که از اصول بنیادین عدالت اجتماعی و احترام به کرامت انسانی نشأت می‌گیرد. حقوق شهروندی شامل مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که میان شهروندان و نهادهای حاکم برقرار می‌شود و هدف آن، تضمین احترام به حقوق و آزادی‌های افراد است (Smith & Jones, 2022). به‌عبارت دیگر، حقوق شهروندی به شهروندان این امکان را می‌دهد تا در چارچوب قانون، با آزادی و امنیت بیشتری زندگی کنند و در صورت نقض این حقوق، حق پیگیری قانونی داشته باشند (Anderson, 2021). یکی از وظایف اساسی نهادهای حاکمیتی، به‌ویژه نیروی انتظامی، تضمین و حفظ این حقوق است. نیروی انتظامی باید در حین انجام مأموریت‌های خود برای تأمین امنیت و نظم عمومی، با حساسیت ویژه‌ای به حقوق شهروندی توجه داشته باشد. بسیاری از پژوهشگران تأکید می‌کنند که نبود نظارت مناسب بر عملکرد نیروی انتظامی، ممکن است منجر به نقض این حقوق شود (Harris, 2020). از این رو، ایجاد چارچوب‌های نظارتی منسجم بر عملکرد نیروی انتظامی یکی از عوامل کلیدی در حفاظت از حقوق شهروندی محسوب می‌شود. نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: نظارت درون‌سازمانی و نظارت برون‌سازمانی. نظارت درون‌سازمانی توسط خود نهاد انتظامی انجام می‌شود و به ارزیابی مداوم عملکرد نیروها و جلوگیری از تخلفات احتمالی کمک می‌کند. در حالی که نظارت برون‌سازمانی توسط نهادهای قضایی و جامعه مدنی اعمال می‌شود که می‌تواند شفافیت و اعتماد عمومی را افزایش دهد (Thompson & Clark, 2019). هر دو نوع نظارت در تعامل با یکدیگر به عنوان سازوکاری برای حفاظت از حقوق شهروندان عمل می‌کنند. در سطح بین‌المللی، مطالعات نشان داده‌اند که نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی، با کاهش تخلفات و ارتقای اعتماد عمومی همراه است. به‌عنوان مثال، تحقیقاتی در دانمارک نشان داده‌اند که نظارت درون‌سازمانی قوی، تأثیر مثبتی بر رعایت حقوق شهروندی و کاهش تخلفات داشته است (Williams et al., 2021). این مطالعه به‌ویژه بر اهمیت ساختارهای نظارتی داخلی تأکید دارد که به نیروهای انتظامی اجازه می‌دهد تا در چارچوب قوانین و با رعایت اصول حقوقی به مأموریت‌های خود بپردازند.

مشکلات ساختاری و هنجاری در نیروی انتظامی، چالش‌های دیگری را در حفظ حقوق شهروندی ایجاد می‌کنند. از جمله این مشکلات می‌توان به نبود آموزش‌های تخصصی و ضعف در مدیریت اشاره کرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش مداوم نیروهای انتظامی در زمینه حقوق شهروندی و افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به حساسیت‌های اجتماعی، تأثیر مثبتی بر کاهش برخوردهای نادرست و حفظ کرامت انسانی دارد (Evans, 2022). آموزش‌های هدفمند به نیروها کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مختلف، برخوردهای مناسبی داشته باشند.

از منظر نظری، رویکرد جامعه‌محور به پلیس، به عنوان یک مدل مؤثر در بهبود حقوق شهروندی شناخته می‌شود. در این رویکرد، نیروی انتظامی به‌عنوان نهادی دیده می‌شود که به جای کنترل، با جامعه همکاری می‌کند. این رویکرد بر ایجاد رابطه مثبت بین نیروهای انتظامی و شهروندان تمرکز دارد و مشارکت شهروندان در فرایندهای نظارتی را تشویق می‌کند (Robinson, 2020). این مشارکت می‌تواند به افزایش احساس امنیت در جامعه و همچنین ارتقای سطح اعتماد عمومی کمک کند.

علاوه بر این، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ایجاد شفافیت در عملکرد نیروی انتظامی می‌تواند از وقوع تخلفات جلوگیری کرده و اعتماد عمومی را افزایش دهد. شفافیت به‌عنوان یکی از اصول اساسی در حقوق شهروندی، نهادهای انتظامی را ملزم می‌کند تا عملکرد خود را به‌صورت باز و قابل بررسی ارائه دهند. این اقدام نه تنها اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد، بلکه به نیروی انتظامی کمک می‌کند تا با مسئولیت‌پذیری بیشتری به وظایف خود بپردازد (Taylor, 2019).

در نهایت، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که ایجاد سیستم‌های نظارتی کارآمد، تأثیر قابل توجهی در کاهش تخلفات و بهبود عملکرد نیروی انتظامی دارد. این سیستم‌ها باید شامل ارزیابی‌های منظم و دقیق از عملکرد نیروها و شناسایی سریع موارد تخلف باشند. تدوین قوانین و دستورالعمل‌های مشخص برای ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی، به‌عنوان یکی از راهکارهای عملیاتی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت حفظ حقوق شهروندی و کاهش تخلفات باشد (Miller & Smith, 2023).

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی طراحی شده است که هدف آن بررسی دقیق و سیستماتیک نقش نظارت در عملکرد نیروی انتظامی و تأثیر آن بر حقوق شهروندی است. روش توصیفی به ما امکان می‌دهد تا ساختارها و هنجارهای موجود در نیروی انتظامی را از منظر حقوق شهروندی بررسی کرده و با توصیف و تحلیل چالش‌های ساختاری و هنجاری، پایه‌ای برای ارائه راهکارها فراهم آوریم. استفاده از روش تحلیل محتوا نیز به فهم عمیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر از مشکلات و موانع موجود در حفظ حقوق شهروندی کمک می‌کند، زیرا این روش ما را قادر می‌سازد تا ارتباطات و الگوهای موجود در داده‌ها را شناسایی و بررسی کنیم (Creswell, 2018). در گردآوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی استفاده شده است. این شامل بررسی و تحلیل مقالات علمی، کتب مرجع، پایان‌نامه‌ها، و قوانین حقوقی و مدنی مرتبط با حقوق شهروندی و عملکرد نیروی انتظامی است. همچنین، از قوانین و مقررات مرتبط با نظارت بر نیروهای انتظامی، به‌عنوان منابع پایه‌ای در این تحقیق بهره‌برداری شده است. این منابع اطلاعاتی به ما اجازه می‌دهند تا دیدگاه‌های مختلف درباره نظارت بر نیروی انتظامی و راهکارهای حفظ حقوق شهروندی را بررسی کنیم و پایه‌ای قوی برای تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری فراهم آوریم.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از رویکرد قیاسی برای بررسی ارتباط میان نظارت و عملکرد نیروی انتظامی استفاده شده است. رویکرد قیاسی به ما این امکان را می‌دهد تا ابتدا بر اساس نظریات و یافته‌های پیشین، چارچوبی مفهومی ایجاد کنیم و سپس داده‌های جمع‌آوری شده را بر این اساس بررسی و تحلیل کنیم. در نهایت، بر اساس این تحلیل‌ها و با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادات کاربردی برای بهبود عملکرد نیروی انتظامی در راستای رعایت حقوق شهروندی ارائه شده است. این پیشنهادات شامل راهکارهایی نظیر تقویت نظارت درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و افزایش آموزش‌های حقوقی برای نیروهای انتظامی است.

### یافته‌های پژوهش

یکی از مشکلات اساسی ساختاری در نیروی انتظامی، ضعف مدیریتی است که نه تنها بر نحوه اجرای مأموریت‌ها بلکه بر برخورد با شهروندان نیز تأثیر منفی می‌گذارد. این ضعف مدیریتی می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست در موقعیت‌های حساس شود و زمینه بروز رفتارهای ناهماهنگ و گاه مغایر با اصول حقوق شهروندی را فراهم آورد. در شرایطی که مدیران و فرماندهان ارشد نظارت دقیق و هدایت مناسبی نداشته باشند، نیروها ممکن است به روش‌های سلیقه‌ای و غیراصولی در مواجهه با شهروندان روی بیاورند.

مسئله دیگر در ساختار نیروی انتظامی، عدم وجود سیستم‌های نظارتی منسجم و دقیق است که عملکرد نیروها را به‌صورت منظم و شفاف ارزیابی کند. در نبود یک نظام نظارتی مؤثر، بسیاری از تخلفات احتمالی توسط نیروها کشف و پیگیری نمی‌شوند و این امر موجب می‌شود نیروها در مواردی احساس امنیت و مصونیت از پیگیری داشته باشند. سیستم‌های نظارتی درونی در نیروی انتظامی اغلب ناکارآمد هستند و به‌صورت سلیقه‌ای عمل می‌کنند، به‌گونه‌ای که تنها در شرایط خاص و به‌صورت محدود به تخلفات پاسخ داده می‌شود.

عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین در ساختار نظارتی نیز یکی از مشکلاتی است که ساختار نیروی انتظامی با آن مواجه است. در بسیاری از سازمان‌های پیشرفته، از فناوری‌های اطلاعاتی برای ثبت و نظارت دقیق‌تر بر عملکرد کارکنان استفاده می‌شود. اما در نیروی انتظامی، سیستم‌های قدیمی و کاغذی همچنان رایج است و همین امر باعث می‌شود که نظارت دقیق و به‌روزی بر عملکرد نیروها صورت نگیرد. در نتیجه، بسیاری از خطاها و تخلفات به دلیل نقص در سیستم ثبت و نظارت به موقع تشخیص داده نمی‌شوند.

یکی از موارد مهم دیگر، نبود بودجه کافی برای آموزش و تجهیز نیروی انتظامی است. کمبود بودجه موجب می‌شود که نیروهای انتظامی به‌صورت بهینه و کارآمد آموزش ندیده و ابزارهای لازم برای مواجهه با چالش‌های روزمره را نداشته باشند. در چنین شرایطی، بسیاری از نیروها از دانش کافی برای برخورد درست با موقعیت‌های مختلف اجتماعی و حقوقی برخوردار نیستند و ممکن است در برخورد با شهروندان، اشتباهات زیادی مرتکب شوند.

نبود زیرساخت‌های مناسب برای ثبت و پیگیری شکایات شهروندان از دیگر مشکلات ساختاری نیروی انتظامی است. در بسیاری از موارد، شهروندانی که احساس می‌کنند حقوقشان نقض شده، به دلیل نبود سیستم‌های مناسب ثبت و رسیدگی به شکایات، نمی‌توانند اقدامات قانونی مؤثری انجام دهند. این ضعف در سیستم شکایات باعث می‌شود که تخلفات احتمالی نیروهای انتظامی بدون پیگیری باقی بماند و شهروندان نسبت به رسیدگی به حقوق خود دچار ناامیدی شوند.

نبود معیارهای مشخص و دقیق برای ارزیابی عملکرد نیروهای انتظامی نیز به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم ساختاری مطرح است. در صورتی که معیارهای مشخصی برای ارزیابی عملکرد نیروها وجود نداشته باشد، سنجش عملکرد آن‌ها به‌صورت سلیقه‌ای انجام می‌شود. این امر باعث می‌شود که نیروها انگیزه‌ای برای بهبود عملکرد خود نداشته باشند و از سوی دیگر، تخلفات آن‌ها نیز بدون برخورد قانونی مناسب باقی بماند. در نهایت، ساختار نیروی انتظامی در ایران از پیچیدگی‌های اداری و بروکراسی سنگینی برخوردار است که مانع از اجرای سریع و به‌موقع اصلاحات و بهبودها می‌شود. بروکراسی پیچیده و طولانی‌مدت نه تنها مانع از ایجاد تغییرات مثبت در سیستم می‌شود، بلکه باعث می‌شود تا اجرای هرگونه برنامه نظارتی یا اصلاحات مورد نیاز با تأخیر همراه شود. این امر نیازمند بازبینی و اصلاحات اساسی در ساختار اداری نیروی انتظامی است تا بتواند به‌صورت کارآمدتری از حقوق شهروندی حمایت کند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات هنجاری در نیروی انتظامی، فرهنگ سازمانی است که گاه با اصول حقوق شهروندی همخوانی ندارد. فرهنگ سازمانی در نیروی انتظامی به‌گونه‌ای شکل گرفته که در بسیاری از موارد به جای حمایت از حقوق شهروندی، بر کنترل و اعمال محدودیت‌ها تمرکز دارد. این نگرش باعث می‌شود که نیروها در موقعیت‌های مختلف بیشتر به سمت اعمال قدرت گرایش پیدا کنند تا احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندی.

در سطح فردی، بسیاری از نیروهای انتظامی به دلیل ناآگاهی از حقوق شهروندی و حقوق بشر، برخوردهای نادرستی با شهروندان دارند. در حالی که احترام به حقوق شهروندی و رعایت اصول اخلاقی از اهمیت بالایی برخوردار است، بسیاری از نیروها آموزش کافی در این زمینه

ندیده‌اند. نبود آگاهی و دانش کافی در این حوزه باعث می‌شود که در مواجهه با موقعیت‌های حساس، نیروها تصمیم‌گیری‌های نادرستی انجام دهند و حقوق افراد را نادیده بگیرند.

نبود انگیزه‌های اخلاقی و معنوی در میان برخی از نیروها نیز به مشکلات هنجاری دامن می‌زند. در بسیاری از موارد، نیروها به دلیل نبود نظام‌های انگیزشی مناسب، به رعایت اصول اخلاقی و حقوقی در برخورد با شهروندان بی‌توجهی می‌کنند. نبود نظام‌های تشویقی برای رفتارهای مناسب و نیز عدم برخورد قاطع با تخلفات، باعث می‌شود که فرهنگ سازمانی نیروی انتظامی به سمت رفتارهای سلیقه‌ای و حتی غیراخلاقی سوق پیدا کند.

رویکرد مدیریت به تخلفات نیروها نیز از دیگر چالش‌های هنجاری است. در بسیاری از موارد، تخلفات نیروهای انتظامی به دلیل نبود پیگیری و برخورد قاطع با آن‌ها، بدون عواقب جدی باقی می‌مانند. این امر باعث می‌شود که نیروها به صورت غیررسمی این پیام را دریافت کنند که حتی در صورت نقض حقوق شهروندی، عواقب چندانی نخواهند داشت. نبود یک سیستم تنبیهی مؤثر و عادلانه باعث می‌شود که تخلفات در نیروی انتظامی به صورت عادی و حتی پذیرفته شده درآید.

در برخی موارد، سلسله‌مراتب اداری و روابط غیررسمی در نیروی انتظامی باعث می‌شود که عملکرد نیروها به جای اصول حقوقی و اخلاقی، تحت تأثیر روابط فردی و قدرت درون‌سازمانی قرار گیرد. این روابط در مواردی باعث می‌شود که نیروهای متخلف از حمایت بالادستی‌ها برخوردار شده و به رفتارهای نامناسب ادامه دهند. این وضعیت نه تنها به حقوق شهروندان آسیب می‌زند، بلکه فرهنگ سازمانی نیروی انتظامی را نیز تخریب می‌کند.

تبعیض و رفتارهای سلیقه‌ای در نیروی انتظامی یکی دیگر از مشکلات هنجاری این نهاد است. در بسیاری از موارد، نیروها به دلایل مختلف و بدون داشتن معیارهای مشخص، رفتارهای متفاوتی با اقشار مختلف جامعه دارند. این رویکرد تبعیض‌آمیز نه تنها باعث نقض حقوق شهروندان می‌شود، بلکه اعتماد عمومی را نیز کاهش می‌دهد. برای رفع این مشکل، لازم است که قوانین و دستورالعمل‌های مشخصی در خصوص نحوه برخورد نیروها با اقشار مختلف تدوین و اجرا شود.

در نهایت، مشکل اصلی در مسائل هنجاری نیروی انتظامی، نبود یک رویکرد جامعه‌محور و احترام‌آمیز در برخورد با شهروندان است. نیروی انتظامی به جای تعامل با شهروندان و جلب اعتماد آن‌ها، بیشتر به اعمال قدرت و کنترل روی می‌آورد. این رویکرد باعث می‌شود که نیروهای انتظامی به جای همکاری و تعامل مثبت با جامعه، به عنوان نیرویی فشارآور و محدودکننده در جامعه تلقی شوند و این نگرش باعث کاهش اعتماد عمومی و تضعیف حمایت مردمی از نیروی انتظامی می‌شود.

### نتیجه‌گیری پژوهش

در این پژوهش به بررسی مشکلات ساختاری و هنجاری نیروی انتظامی در راستای صیانت از حقوق شهروندی پرداخته شد. نتایج نشان داد که ضعف‌های ساختاری مانند نبود سیستم‌های نظارتی مؤثر و کمبود آموزش‌های مناسب در زمینه حقوق شهروندی، به چالش‌های عمده‌ای برای نیروی انتظامی در ایفای نقش خود به عنوان حامی امنیت اجتماعی منجر شده است. این ضعف‌ها موجب می‌شوند که بسیاری از نیروها درک کافی از حقوق و آزادی‌های شهروندی نداشته باشند و در مواجهه با شرایط مختلف، تصمیمات نادرست و نامتناسب اتخاذ کنند. مشکلات هنجاری نیز، به‌ویژه در بخش فرهنگ سازمانی و انگیزه‌های اخلاقی، نقش چشمگیری در نقض حقوق شهروندان توسط نیروهای انتظامی ایفا می‌کند. فقدان یک فرهنگ سازمانی مبتنی بر احترام به حقوق شهروندی و نبود سازوکارهای قوی برای تشویق رفتارهای اخلاقی

و قانونی، باعث می‌شود که برخی از نیروها به رفتارهای غیراصولی و حتی سلیقه‌ای روی آورند. این وضعیت به‌طور مستقیم به تضعیف اعتماد عمومی به نیروی انتظامی منجر می‌شود و تعامل مثبت میان نیروی انتظامی و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای بهبود عملکرد نیروی انتظامی در حفظ حقوق شهروندی، ایجاد و تقویت سیستم‌های نظارتی کارآمد و منظم است. سیستم‌های نظارتی قوی و قابل‌اعتماد، نه تنها به کاهش تخلفات درونی کمک می‌کنند، بلکه با ایجاد شفافیت و پاسخگویی، به اعتمادسازی در جامعه نیز کمک می‌کنند. همچنین، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی تخصصی برای نیروهای انتظامی در زمینه حقوق شهروندی و اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به بهبود عملکرد آن‌ها و کاهش نقض حقوق شهروندان منجر شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، ایجاد تغییرات اساسی در فرهنگ سازمانی نیروی انتظامی نیز ضروری است. نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و تعهد به رعایت حقوق شهروندی در فرهنگ سازمانی نیروی انتظامی، نه تنها به کاهش تخلفات و رفتارهای سلیقه‌ای کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که نیروی انتظامی به‌عنوان نهادی حامی عدالت اجتماعی و امنیت همگانی در نظر گرفته شود. این رویکرد می‌تواند اعتماد و حمایت مردمی را افزایش داده و در نهایت به ارتقای سطح امنیت اجتماعی منجر شود. به‌طور کلی، این پژوهش نشان داد که برای بهبود عملکرد نیروی انتظامی در صیانت از حقوق شهروندی، نیاز به یک رویکرد جامع و چندبعدی است که شامل بهبود ساختارهای نظارتی، افزایش آموزش‌ها، و اصلاح فرهنگ سازمانی باشد. چنین تغییراتی نه تنها به بهبود عملکرد نیروی انتظامی منجر می‌شود، بلکه به افزایش اعتماد عمومی، ایجاد امنیت پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان نیز کمک خواهد کرد.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

Protecting and respecting citizens' rights is a fundamental principle that every society must adhere to. These rights encompass the freedoms and legal and social entitlements of each individual, which must be respected within the framework of the law. Citizenship rights are directly connected to justice, social security, and individuals' quality of life, and they play a crucial role in building trust between the public and governmental institutions (Arjmand, 2020). Within this framework, law enforcement agencies, as institutions that directly interact with citizens and are responsible for ensuring social security, hold particular significance. The police force, as an institution with a multifaceted role, must balance the preservation of public order and security with the protection of individual rights, which is an inherent challenge (Ehsani & Mahmoudi, 2021).

Law enforcement agencies engage with citizens at three levels: the general public, offenders, and victims. Each of these categories requires distinct approaches and policies, highlighting the complexity of the police force's responsibilities. The challenge becomes even more pronounced when these duties are carried out without infringing on citizens' rights. The absence of effective and accurate oversight mechanisms in law enforcement can often lead to violations of citizens' rights,



potentially due to inadequate procedures, managerial shortcomings, or arbitrary actions by certain officers (Ardakani, 2019). This necessitates the establishment and strengthening of oversight systems that ensure the protection of citizens' rights and reduce potential misconduct.

Citizens' rights represent a central concept in modern societies, stemming from the fundamental principles of social justice and human dignity. These rights form the foundation of the relationship between citizens and governing institutions, aiming to guarantee respect for the rights and freedoms of individuals (Smith & Jones, 2022). Citizens' rights enable individuals to live within the law with greater freedom and security, providing legal avenues for redress in case of violations (Anderson, 2021). Among the core responsibilities of government institutions, especially law enforcement agencies, is the safeguarding of these rights. In carrying out their duties to ensure security and public order, police forces must prioritize citizens' rights. Scholars emphasize that the lack of adequate oversight over law enforcement performance can lead to violations of these rights (Harris, 2020).

Oversight of law enforcement can be classified into two main categories: internal and external oversight. Internal oversight refers to mechanisms employed by the law enforcement agency itself to assess performance and prevent misconduct, whereas external oversight is carried out by judicial, legal, and even civil society organizations (Thompson & Clark, 2019). Both forms of oversight, when integrated, function as a mechanism for protecting citizens' rights. International studies have indicated that proper oversight of law enforcement performance leads to reduced misconduct and enhanced public trust. For instance, research in Denmark has shown that strong internal oversight has a positive effect on safeguarding citizens' rights and minimizing violations (Williams et al., 2021).

Within law enforcement, structural and normative challenges play a crucial role in hindering the effective protection of citizens' rights. Among these challenges are the lack of adequate training for officers in citizens' rights and weaknesses in managerial oversight. These factors often lead to inappropriate interactions with citizens and a decline in public trust in law enforcement (Karimi, 2018). Previous research has indicated that continuous training of law enforcement officers on citizenship rights, as well as heightened awareness of social sensitivities, positively affects the reduction of improper behavior and the maintenance of human dignity (Evans, 2022). Furthermore, the absence of systematic oversight mechanisms allows many potential violations to go unnoticed and unaddressed, fostering a sense of impunity among officers, which exacerbates misconduct.

One of the significant normative challenges is the organizational culture within law enforcement, which, at times, conflicts with the principles of citizens' rights. In many cases, this culture prioritizes control and enforcement over protecting individuals' freedoms and dignity. As a result, officers may be more inclined to use power rather than respect the rights and freedoms of citizens. Furthermore, a lack of clear performance evaluation criteria within law enforcement can lead to subjective assessments of officers' actions, reducing motivation to improve and leaving violations unaddressed (Miller & Smith, 2023).

A critical solution to these challenges involves the development and enhancement of effective oversight systems. Such systems should not only focus on preventing misconduct but also ensure that law enforcement operations are transparent and accountable to the public. Effective internal oversight, when combined with external monitoring by judicial bodies and civil society, can foster greater accountability and public trust. Furthermore, integrating modern technological tools for tracking and evaluating officer behavior can lead to more efficient and real-time oversight. This

transition would help eliminate the inefficiencies of outdated, paper-based systems currently prevalent in many law enforcement agencies (Taylor, 2019).

Continuous and specialized training for law enforcement officers in the area of citizens' rights is also essential. Training should focus on areas such as dealing with vulnerable individuals, including children and women, as well as fostering ethical conduct in the performance of duties. Such training would deepen officers' understanding of citizens' rights and the importance of upholding them, thereby reducing the occurrence of violations (Majidi, 2020). Additionally, creating transparent systems for filing and addressing citizen complaints about law enforcement officers will ensure that violations are promptly reported, investigated, and addressed (Evans, 2022).

This study employs a descriptive-analytical methodology to systematically examine the role of oversight in law enforcement performance and its impact on citizens' rights. A descriptive approach allows for a comprehensive understanding of the existing structures and norms within law enforcement, while analytical methods help identify the challenges and provide a foundation for proposing practical solutions. By utilizing content analysis, the study investigates patterns and connections between oversight mechanisms and law enforcement's ability to protect citizens' rights (Creswell, 2018). Data were collected through library research and document analysis, including a review of relevant scholarly articles, books, and legal texts on citizens' rights and law enforcement's performance. Additionally, legal frameworks governing oversight mechanisms in law enforcement were consulted to better understand the current state of oversight and propose meaningful changes.

The study reveals several key structural weaknesses within law enforcement agencies that hinder their ability to effectively safeguard citizens' rights. These include inadequate oversight systems, lack of sufficient training on citizens' rights, and weaknesses in managerial leadership. These deficiencies often lead to improper conduct by officers and a failure to address violations of citizens' rights. The lack of a clear and systematic evaluation of officers' performance further exacerbates this issue. Moreover, the failure to integrate modern technologies into oversight practices prevents timely and accurate monitoring of officers' behavior (Miller & Smith, 2023).

Normative issues, particularly in the organizational culture of law enforcement, also contribute to violations of citizens' rights. A culture that focuses on control rather than cooperation with the public can lead to unnecessary use of force and violations of individuals' freedoms (Robinson, 2020). To address these challenges, the study suggests several practical solutions, including strengthening both internal and external oversight mechanisms, providing continuous training on ethical behavior and citizens' rights, and fostering a more community-oriented approach to law enforcement (Evans, 2022).

In conclusion, the research underscores the need for a comprehensive and multi-faceted approach to improving law enforcement performance in protecting citizens' rights. Such an approach should include improvements in oversight structures, specialized training for officers, and reforms in organizational culture. These changes will not only enhance the effectiveness of law enforcement agencies but also increase public trust, promote social security, and improve citizens' quality of life. This study serves as a crucial reference for policymakers aiming to enhance oversight mechanisms and ensure the protection of citizens' rights within law enforcement agencies.

## References



- Anderson, J. (2021). *Civil rights and law enforcement accountability*. Legal Studies Press.
- Ardakani, R. (2019). Structural and normative issues in police performance. *Public Policy Journal*, 14(4), 251-270.
- Arjmand, S. (2020). Citizen rights and law enforcement challenges. *Journal of Social Justice*, 18(3), 145-161.
- Creswell, J. W. (2018). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. SAGE Publications.
- Ehsani, M., & Mahmoudi, K. (2021). Policing and civil rights in urban environments. *Law and Society Review*, 22(2), 80-99.
- Elarden, T. (2018). Organizational oversight in law enforcement: A case study from Denmark. *European Journal of Criminology*, 25(1), 39-53.
- Evans, T. (2022). Police education as a tool for citizen rights protection. *Journal of Law and Society*, 31(2), 112-129.
- Harris, R. (2020). Oversight and accountability in law enforcement. *Criminal Justice Review*, 28(4), 345-361.
- Karimi, N. (2018). Challenges in citizen rights protection in law enforcement. *Iranian Journal of Legal Studies*, 17(3), 203-220.
- Majidi, A. (2020). Education as a preventive measure in police misconduct. *International Journal of Criminology*, 19(1), 101-117.
- Miller, D., & Smith, P. (2023). *Police performance evaluation and civil rights*. Routledge.
- Robinson, L. (2020). Community-oriented policing: A citizen rights perspective. *International Journal of Policing*, 15(1), 55-73.
- Smith, R., & Jones, M. (2022). *Foundations of citizenship rights*. Cambridge University Press.
- Taylor, J. (2019). Transparency and trust in policing. *American Journal of Criminal Justice*, 34(3), 220-236.
- Thompson, A., & Clark, S. (2019). Internal and external oversight in law enforcement agencies. *Policing and Society*, 23(2), 189-207.
- Williams, A., Evans, T., & Hamilton, S. (2021). Law enforcement oversight: Lessons from Denmark. *European Journal of Policing Studies*, 18(2), 142-158.